



فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی

شناسایی عوامل زمینه‌ایی و آشکارساز در خیانت زناشویی:

یک مطالعه کیفی

دانشجوی دکتری گروه مشاوره، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، اصفهان، ایران
گروه مشاوره، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، اصفهان، ایران
استادیار گروه مشاوره، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، اصفهان، ایران
دانشیار گروه روانشناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

زکيه نصیری ^{id}

نازنین هنرپروران* ^{id}

فاطمه جوادزاده شهشانی ^{id}

سیامک سامانی ^{id}

nazanin48@miau.ac.ir

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱

دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷

<http://Aftj.ir>

دوره ۳ | شماره ۱ | پیاپی ۱۰ | ۱۳۵-۱۱۰

بهار ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(نصیری، هنرپروران، جوادزاده شهشانی و سامانی، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

نصیری، زکيه، هنرپروران، نازنین، جوادزاده شهشانی، فاطمه، و سامانی، سیامک. (۱۴۰۱). شناسایی عوامل زمینه‌ایی و آشکارساز در خیانت زناشویی: یک مطالعه کیفی. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۳(۱) پیاپی ۱۰: ۱۱۰-۱۳۵.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف واکاوی علل زمینه‌ای و آشکار ساز در خیانت زناشویی انجام شد. **روش پژوهش:** مطالعه حاضر با رویکرد کیفی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای و تکنیک مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته و مسئله‌محور، به بررسی و شناخت فرآیند بروز رابطه فرازناشویی پرداخته است. تعداد ۱۲ زن و ۱۵ مرد که تجربه خیانت زناشویی و تمایل به همکاری با پژوهشگر را داشتند با شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. این افراد با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاری به صورت عمیق مورد بررسی قرار گرفتند؛ برای تبیین و تحلیل داده‌ها از رویکرد داده بنیاد استفاده شد. **یافته‌ها:** بعد از تحلیل داده‌ها، از مصاحبه با زنان و تحلیل آن در کدگذاری باز ۱۰۰ کد اولیه، ۱۴ کد محوری و ۳ کد اصلی استخراج شد همچنان خواهی، اعتماد به نفس پایین، خودانگاره منفی و شور و هیجان سرکوب شده در کد اصلی علل درون فردی؛ برآورده نشدن نیازهای عاطفی، ناهمسویی خواسته‌ها و اهداف، عدم توجه به مرزبندی‌ها، اختلافات زناشویی، انتقام از همسر و عدم جذابیت همسر در کد اصلی علل تعارضات زناشویی و کنجکاوی در تجارب جنسی، تجارب جنسی قبل از ازدواج و ناکامی جنسی در کد اصلی علل جنسی طبقه‌بندی شدند. تحلیل محتوای مصاحبه با مردان و تحلیل آن در کدگذاری باز ۷۶ کد اولیه، ۱۳ کد محوری و ۳ کد اصلی استخراج شد که دلایل خیانت زناشویی مردان را می‌توان در علل عاطفی (تعارضات زناشویی، وجود بحران‌های زندگی، از دست رفتن خود، به اشتراک نهادن احساسات و افکار) علل جنسی (کسب طراوت و شادمانی به خاطر ازدواج کسالت‌بار، داشتن تجربیات جنسی جدید، عدم مراقبت همسر از بدن خود و هیجان خواهی) و علل بیرونی (قدرت، داشتن فرصت برای رابطه فرازناشویی، دریافت تقویت و حمایت از جانب دوستان، محق بودن و بازدارنده زدایی شدن به خاطر مصرف مواد) دسته‌بندی کرد. **نتیجه‌گیری:** نتایج این تحقیق نشان داد که زنان و مردان درگیر در رابطه مذکور در مقابل این پدیده راهبرد برقراری رابطه فرازناشویی را در پیش می‌گیرند، پیامدهای این راهبردها نیز، ناظر بر علنی سازی و جدایی و پنهان سازی و تداوم زندگی زناشویی است.

کلیدواژه‌ها: خیانت زناشویی، زنان و مردان، عوامل زمینه‌ای، عوامل آشکارساز

مقدمه

ازدواج به مثابه یک قرار اجتماعی، نقطه آغازین زندگی زناشویی و شکل‌گیری نهاد خانواده است (فولادیان، برادران کاشانی و دیاری، ۱۳۹۹)؛ تعهد نیز، به عنوان عنصر اصلی ازدواج، در دو بعد جنسی و عاطفی میان زن و مرد تعریف می‌شود؛ وجود روابط حمایت‌گرانه و متعهدانه در محیط خانواده، احساس مراقبت از سوی جنس مخالف، به نوعی توانایی‌های روحی و روانی زوجین را ارتقا می‌دهد (اوسلانتر و رزنتال، ۲۰۱۰). پژوهش‌های مختلف نیز به این امر اشاره می‌کنند که ازدواج موفق موجب می‌شود افراد شادتر، سالم‌تر و با نشاط‌تر زندگی کنند؛ در چنین رابطه‌ای است که امید ایجاد احساس تعلق وجود دارد و تعهد و وفاداری حاصل از آن احساس امنیت و ثبات به ارمغان می‌آورد (افشاری کاشانیان، زهراکار، محسن‌زاده و تاجیک اسماعیلی، ۱۳۹۸). اگر چه ازدواج فرصت تجارب رشدی مانند مصاحبت، تعامل باز و حمایت را فراهم می‌کند؛ اما همواره این چنین نیست (کیلاوی، فتحی، دادرس، دانشپور، علمی و التالیب، ۲۰۱۷)، و با اینکه اکثریت قریب به اتفاق اعضای جامعه انتظار دارند که افراد در روابط متعهدانه از نظر جنسی و عاطفی وفادار باشند؛ اما این نگرش باعث نمی‌شود که افراد در محدوده ازدواج دست به فریبکاری نزنند (افشاری کاشانیان و همکاران، ۱۳۹۸). یکی از مهمترین عواملی که زندگی زناشویی زوجین را می‌تواند در آستانه فروپاشی قرار دهد، روابط فرازناشویی و یا برقراری رابطه عاطفی-جنسی با کسی خارج از رابطه دو نفره زن و شوهر، است.

روابط فرازناشویی در طیفی گسترده از بی‌وفایی جنسی، عاطفی، ترکیبی (عاطفی-جنسی) و مجازی (شامل رابطه جنسی تلفنی، گفتگوهای جنسی از طریق چت و مشاهده فیلم‌های پورن) شناخته شده‌اند؛ این روابط خارج از قرارداد اجتماعی ازدواج که ناظر به انحصار روابط جنسی و عاطفی میان زن و شوهر است، برقرار می‌شود (کرمی، علی‌زکی، محمدی و حق‌شناس، ۱۳۹۴؛ فتحی، فکرآزاد، غفاری و بوالهروی، ۱۳۹۱). بر این اساس، می‌توان گفت خیانت زناشویی نقض تعهد رابطه دو نفره است که به ایجاد صمیمت عاطفی و یا فیزیکی با فردی خارج از این رابطه دو طرفه، منجر می‌شود؛ به تعبیری روابط فرازناشویی آن موردی است که دقیقاً میزان تعهد در خانواده و بنیان زندگی زناشویی را تهدید می‌کند (فولادیان و همکاران، ۱۳۹۹). بر اساس مطالعات انجام شده افراد با برقراری روابط فرازناشویی در صدد پر کردن خلأهای موجود در روابط زناشویی خود هستند (امینی‌ها، فرح بخش و اسمعیلی، ۱۳۹۴). نکته قابل توجه این است، تنها افرادی که دچار کمبود در زندگی زناشویی‌شان هستند به سوی روابط مذکور نمی‌روند، بلکه کسانی که روابط زناشویی خوشایندی هم دارند ممکن است تحت تأثیر عواملی به سوی تجربه این روابط، سوق پیدا کنند (فتحی و همکاران، ۱۳۹۱؛ حدادی، انصاری نژاد، آقاجانی و خالقی اصفهانی، ۱۳۹۵). بنابر این، به نظر می‌رسد که عوامل متعددی در ارتباط با هم قرار می‌گیرد و زمینه‌ساز پدیده روابط فرازناشویی می‌شود.

بر اساس تحقیقات صورت گرفته در این حوزه ۲۱ تا ۷۰ درصد زنان و ۲۶ تا ۷۵ درصد مردان در ایالت متحده آمریکا حداقل یک بار در طول زندگی مشترکشان به رابطه با فردی خارج از چارچوب ازدواج روی آورده‌اند (جمیفریو، ۲۰۰۹). در داخل کشور تاکنون، آمار دقیقی از وضعیت روابط فرازناشویی انتشار پیدا نکرده‌است، اما براساس نتایج تحقیقی از پانزده استان کشور، خیانت در روابط زناشویی علت ۶۷ درصد از قتل‌های مردان به وسیله همسرانشان می‌باشد و ۳۳ درصد این مردان نیز با خشونت و تهدید همسر رو به رو هستند (اکبری، شفیع آبادی و هنرپروران، ۱۳۹۰). هر چند تفاوت‌های آماری اندازه اثر اندکی را نشان

می‌دهد؛ اما شواهدی وجود دارد که مردان و زنان به شیوه‌های متعددی در مورد روابط فکر می‌کنند (پترسون و هید، ۲۰۱۰). از همین رو یکی از فاکتورهایی که در پیش‌بینی روابط فرازنشویی به صورت گسترده مورد بررسی قرار گرفته جنسیت است؛ پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهند که به صورت سنتی مردان بیشتر از زنان درگیر خیانت زناشویی می‌شوند (اسمیت، ۲۰۱۶). با اینکه پژوهش‌ها قویا تاکید دارند که مردان بیش از زنان درگیر روابط فرازنشویی می‌شوند (لو، کارتون و اسنایدر، ۲۰۱۰؛ مارک، جانسن و میلیهاوسن، ۲۰۱۱)؛ اما پژوهش‌های جدیدتر نشان می‌دهد که با گسترش خیانت زناشویی، شکاف جنسیتی در حال تنگ‌تر شدن است و میزان خیانت زناشویی مردان و زنان جوان به صورت فزاینده‌ای در حال نزدیک شدن به یکدیگر است (مانش، ۲۰۱۲).

به طور کلی، خیانت زناشویی بیشتر در میان افرادی رخ می‌دهد که ازدواج خود را به صورتی منفی ارزیابی می‌کنند و کیفیت و فراوانی معاشقه‌های زناشویی آنها اندک است (پرینز، بوک، و ون پیرین، ۲۰۱۱). مطالعات بسیاری نشان دادند که کیفیت پایین رابطه زناشویی با افزایش احتمال خیانت زناشویی (بلوو و هارتنت، ۲۰۱۵)، و خطر ایجاد افسردگی و دیگر اختلالات روانی همراه است (ویسمن و بروس، ۲۰۰۹). این موارد با تجربه وقایعی مانند فقدان، تحقیر و فریب که از منزلت فرد می‌کاهند در ارتباط است (کانو و اولری، ۲۰۱۲). قبل از خیانت زناشویی، نسبت به رابطه زناشویی تردیدهایی وجود دارد، و بعد از خیانت زناشویی کیفیت رابطه زناشویی بدتر می‌شود؛ مشکلات زناشویی منجر به فرسایش تعهد شده، و قدرت پذیرش و نگرستن به جایگزین‌ها را افزایش می‌دهد؛ بنابراین مشکلات زناشویی یکی از موضوعات قابل قبول برای توجیه خیانت زناشویی محسوب می‌شوند (پریوتی، و آماتو، ۲۰۱۴). علاوه بر این برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد در روابطی که زنان در سال اول زندگی درگیر خیانت می‌شوند، ارتباط زوجین به شدت منفی است و زوجین به صورت متقابل دست به تحقیر یکدیگر می‌زنند (آلن و آتکینز، ۲۰۱۲). موفاسا، مونادوا و نیامایارو (۲۰۱۷) از عوامل دیگری یاد می‌کنند که زنان را به سمت خیانت زناشویی سوق می‌دهد این عوامل عبارتند از فقدان اعتماد، فقدان توجه، نادیده گرفته شدن و شکست در لذت بردن از رابطه جنسی. علاوه بر این زنان برای دریافت حمایت‌های مالی نیز درگیر خیانت می‌شوند (کروگر، رایبیر، واسترلینگ، شوتر و کلایم، ۲۰۱۲). البته خیانت به هر دلیلی که روی بدهد، درگیر شدن در این روابط در سطوح فردی، اجتماعی و زناشویی اثرات نامطلوبی را بر ازدواج تحمیل می‌کنند (افشاری کاشانیان و همکاران، ۱۳۹۸).

در پژوهشی که حبیبی و حاجی حیدری (۱۳۹۴) در شهر شیراز انجام دادند؛ عوامل خیانت زناشویی را در سه دسته مسائل بین فردی، رابطه‌ای و مسائل مربوط به جامعه دسته بندی نمودند؛ علاوه بر این مصری‌پور، اعتمادی، احمدی و جزایری (۲۰۱۶) در بررسی علل خیانت زناشویی زنان در شهر اصفهان این عوامل را در سه دسته عوامل بین فردی، تعارض زناشویی و مسائل جنسی قرار می‌دهند، باید خاطر نشان کرد علی‌رغم دسته بندی‌های متفاوتی مانند عوامل بیرونی، فرهنگی و ارتباطی این فاکتورها اغلب در تعامل با یکدیگر قرار دارند، بدین معنا که فاکتورهای فردی بر روی روابط تاثیر می‌گذارند و روابط بر روی فاکتورهای فردی مانند احساس بهزیستی فرد تاثیر می‌گذارند و هریک از این فاکتورها به گونه‌ای متفاوت بر روی افراد اثر می‌گذارد، مثلا مسائل جنسی بیشتر مردان و مسائل عاطفی بیشتر زنان را مستعد خیانت زناشویی می‌سازد (دوبا، کیندزواتر و لارا، ۲۰۰۸). در ایران پژوهش‌های چندانی در مورد علل خیانت زناشویی صورت نگرفته

است و محدود پژوهش‌های انجام شده در این زمینه مربوط سال‌های اخیر بوده که عمدتاً آزمایشی و همبستگی هستند (نوابی و محمدی آریا، ۱۳۹۴؛ حیدری، فاتحی زاده، اعتمادی، ۱۳۸۸). هرچند پژوهش کیفی مصری‌پور و همکاران (۲۰۱۶) و افشاری کاشانیان و همکاران (۱۳۹۸) به این مسئله پرداخته است؛ اما به نظر می‌رسد برای نتیجه‌گیری در این زمینه به پژوهش‌های بیشتری نیاز است. ضمن اینکه افراد براساس خرده فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند ممکن است دلایل ویژه‌ای برای خیانت داشته باشند؛ بنابراین این پژوهش ضمن گسترش دادن یافته‌های پژوهش‌های پیشین به اعتبار بخشیدن به یافته‌های آنها هم توجه دارد پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور هم در محیط‌هایی با بافت فرهنگی و اجتماعی متفاوت از ایران صورت گرفته است که چندان قابل تعمیم به جامعه ما نیست. علاوه بر این در کشور ما هم به دلیل تنوع فرهنگی ممکن است افراد در بافت خرده فرهنگ‌های خاص دلایل ویژه‌ای برای خیانت زناشویی داشته باشند. بنابراین در این پژوهش سعی بر آن شده تا به سئوالات زیر پاسخ داده شود:

۱. تجربه زیسته زنان و مردان خیانت کار چگونه است؟
۲. عوامل زمینه ساز و آشکارساز در خیانت زناشویی کدامند؟

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش کیفی بود. هدف پژوهش کیفی درک فرایند‌های اجتماعی در بافت آنها و همچنین درک معنایی است که این رویدادها برای افراد دارند (استربرگ، ۲۰۰۲). در این مطالعه الگوها و مسائلی که به وسیله زنان و مردان درگیر در خیانت زناشویی تجربه شده، شناسایی شده است. این روش به درون تجربه زنان و مردان با تجربه خیانت زناشویی وارد شده و اقدام به اخذ نحوه ادراک، توصیف، احساس، قضاوت، خاطرات، و گفتگوی افراد با دیگران می‌کند، در این روش عناصر اساسی تجربه مشترک زنان و مردان با تجربه خیانت زناشویی شناسایی می‌شود. رویکرد کیفی که در پژوهش فعلی مورد استفاده قرار گرفت رویکرد داده بنیاد یا نظریه زمینه‌ای بود، نظریه زمینه‌ای از جمله روش‌های پژوهش کیفی است که به کشف و استخراج نظریه از داده‌هایی می‌پردازد که به طور منظم در فرایند پژوهش به دست می‌آیند (محمدپور، ۱۳۹۲). استفاده از نظریه زمینه‌ای زمانی ضرورت می‌یابد که اطلاعات اندکی در مورد پدیده مورد پوشش وجود دارد و با اینکه در پژوهش‌ها صورت گرفته در ارتباط با موضوع فقدان یک چارچوب نظری که به صورت جامع به تبیین مسئله بپردازد مشهود است؛ این نظریه به سبب اینکه از داده‌ها بیرون کشیده می‌شود، بیشتر می‌تواند بصیرت افزا باشد و فهم را تقویت کند و راهنمای عمل باشد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰). جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش زنان و مردانی را شامل می‌شد که به سبب مشکل خیانت زناشویی در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ به مراکز مشاوره در شهر تهران مراجعه کرده بودند، در مطالعه فعلی حجم مشارکت کنندگان ۱۲ زن و ۱۵ مرد متاهل بود، که تجربه خیانت زناشویی را داشتند، این افراد دارای ملاک‌های داشتن رابطه فرازناشویی، داشتن رابطه طولانی حداقل به مدت یک و داشتن حداقل مدرک دیپلم و تمایل به شرکت در پژوهش بود.

ابزار پژوهش

۱. **مصاحبه نیمه ساختاریافته.** جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاری صورت گرفت. در ابتدای شروع هر مصاحبه در خصوص محرمانه بودن اطلاعات اطلاع‌رسانی شد. در مصاحبه پاسخ درست و غلطی وجود نداشت، و هر زمان که مشارکت‌کنندگان می‌خواستند، حق پایان دادن به مصاحبه را داشتند و به موازات فرایند مصاحبه، یافته‌ها تحلیل می‌شده و تعداد جلسات تا اشیاع مقوله‌ها ادامه داشته است. همینطور که با هر یک از مشارکت‌کنندگان مصاحبه می‌شد، به دلایل شخصی اجازه ضبط صدا نبود و محتوای مصاحبه‌ها به صورت متن‌های نوشتاری در حین مصاحبه انجام شد. پس از اتمام مصاحبه‌ها به صورت منظم هر ایده با مقوله‌ای که مشخص می‌شد، کدگذاری شد، سوالات مصاحبه بر روی زمینه‌های ارتباطی و پویایی‌های زوجین، رابطه‌فرازناشویی، رابطه با خانواده و دوستان، استرس‌های زندگی در زمان ملاقات فرد سوم، افکار و برداشت‌های افراد در زمان رابطه پنهانی متمرکز بود.

روش اجرا. از بین زنان و مردان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره که مشکل فعلی آنها خیانت زناشویی بود، پژوهشگر ابتدا با اخذ رضایت آگاهانه و شفاهی با افراد داوطلب همکاری مصاحبه کرد، از آنجایی که این افراد حاضر به همکاری با پژوهشگر بودند، به پژوهشگر اجازه ضبط مصاحبه را ندادند، حفظ موضع بی‌طرفی مورد توافق طرفین بود. مصاحبه برای هر نفر تقریباً ۴۵ دقیقه تا یک ساعت به طول انجامید؛ بعد از پرسیدن سوالات جمعیت‌شناختی مصاحبه با سوال کلی‌چی شد که ازدواج شما به اینجا رسید، آغاز شد، و بدین ترتیب سوالات با توجه به روند مصاحبه و شرایط مشارکت‌کنندگان محدود و یا گسترش می‌یافتند. از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا به توضیح مسیر زندگی خود از زمان آشنایی تا زمان حال بپردازند. همه مصاحبه‌ها در کنار خلاصه جلسات ثبت شد. برای حفظ محرمانه بودن اطلاعات به هر یک از اطلاعات یک کد اختصاص داده شد و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد بر اساس این کدهای اختصاصی گزارش شد.

روش مورد استفاده برای کدگذاری داده‌ها گام‌های پیشنهادی استرواس و کوربین بود (استرواس و کوربین، ۱۳۹۰). استرواس و کوربین از سه گام در تحلیل داده‌ها یاد می‌کنند: (۱) کدگذاری باز، (۲) کدگذاری گزینشی، (۳) و کدگذاری محوری کدگذاری باز از بسیاری از جهات قلب نظریه داده بنیاد است (بازرگان، ۱۳۸۹) در این پژوهش برای کدگذاری متن از تحلیل جمله و پاراگراف کامل استفاده شده است. در جریان کدگذاری باز، داده‌ها به پاره‌های مجزا، خرد شده و با دقت مورد بررسی قرار گرفت و از جهت شباهت‌ها و تفاوت‌ها با یکدیگر مقایسه و دسته‌بندی شدند. کدگذاری باز در قالب دو مرحله اصلی یعنی کدگذاری اولیه و کدگذاری متمرکز (مقوله‌های عمده/مقوله) انجام شده است (استرواس و کریبین؛ محمدپور، ۱۳۹۲؛ اولمستد، بلیک و میلز، ۲۰۰۹). کدگذاری محوری در واقع به مرتب کردن مقوله‌ها یا زیر مقوله‌ها در راستای ویژگی‌ها و ابعاد آنها اقدام شده است. در این مرحله از تحلیل داده‌ها به چگونگی تلاقی مقوله‌ها با یکدیگر و نحوه اتصال آنها توجه شده است. این کار برای عمق و ساختار بخشیدن به مقولات انجام شده است (بازرگان، ۱۳۸۹؛ محمدپور، ۱۳۹۲). این گام برای پژوهشگران اهمیت داشته است زیرا در طول آن نظریه‌سازی صورت می‌گیرد. در این گام صرف‌یشراط، تعامل‌ها و پیامدها کافی نیست و بلکه کشف راه‌های ارتباط آنها با یکدیگر اهمیت دارد (اولمستد و همکاران، ۲۰۰۹؛ استرواس و کوربین، ۱۳۹۰). در این مرحله خیانت زناشویی به عنوان مقوله محوری انتخاب شد؛ به دلیل اینکه این مقوله در تمامی مصاحبه‌ها مورد

اشاره قرار گرفت و توانایی جذب و یکپارچه سازی دیگر مقولات را داشت. کدگذاری گزینشی فرآیند یکپارچه سازی و پالایش نظریه است. در یکپارچه سازی، مقوله‌ها در حول یک مفهوم مرکزی که قدرت توضیح دهنده‌گی دارد، مرتب می‌شوند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰). فرآیند یکپارچه سازی و بهبود بخشی نظریه در مرحله کدگذاری انتخابی، از طریق نگارش خط داستان که مقوله‌ها را به هم متصل می‌کند، صورت می‌گیرد، در یک خط داستان، پژوهشگر بررسی می‌کند که چگونه عوامل مخصوص، بر پدیده اثر می‌گذارد و منجر به استفاده از راهبردهای خاص یا خروجی‌های ویژه می‌شود. به عبارتی کدگذاری انتخابی، یافته‌های مراحل کدگذاری قبلی را گرفته، مقوله مرکزی (هسته) را انتخاب می‌کند، به شکلی نظام مند، آن را به دیگر مقوله‌ها ربط می‌دهد و آن روابط را اثبات می‌کند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶)، مقوله هسته به دو صورت انتخاب می‌شود: در صورت اول، محقق ممکن است یکی از مقوله‌های موجود را گزینش نماید و در صورت دوم، وی باید نسبت به تعیین و ساخت آن اقدام نماید (اولمستد و همکاران، ۲۰۰۹؛ استراوس و کوربین، ۱۳۹۰).

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت کنندگان زن ۲۹/۸۴ (۳/۵۴) و میانگین و انحراف استاندارد شرکت کنندگان مرد ۳۶/۵۴ (۴/۴۶) بود. در جدول ۱ ویژگی‌های دموگرافیک زنان و مردان با تجربه خیانت زناشویی به تفکیک ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های دموگرافیک زنان و مردان شرکت‌کننده در پژوهش

مردان					زنان				
مدت مشارکت کننده	سن ازدواج	تحصیلات	سن	مشارکت کننده	مدت رابطه	سن ازدواج	تحصیلات	سن	مشارکت کننده
اول	۳ ماه	لیسانس	۳۳	اول	۶ ماه	۵	فوق دیپلم	۲۸	اول
دوم	۶ ماه	لیسانس	۳۴	دوم	۵ ماه	۴	لیسانس	۲۶	دوم
سوم	۷ ماه	لیسانس	۳۶	سوم	۳ ماه	۲	لیسانس	۲۴	سوم
چهارم	۹ ماه	لیسانس	۳۵	چهارم	۱ ماه	۳	لیسانس	۲۵	چهارم
پنجم	۱۲ ماه	فوق لیسانس	۳۷	پنجم	۱ ماه	۴	لیسانس	۲۶	پنجم
ششم	۱۰ ماه	فوق دیپلم	۳۸	ششم	۲ ماه	۶	فوق لیسانس	۲۷	ششم
هفتم	۳ ماه	دیپلم	۴۰	هفتم	۴ ماه	۲	فوق لیسانس	۲۸	هفتم
هشتم	۴ ماه	فوق لیسانس	۳۶	هشتم	۱۰ ماه	۳	لیسانس	۲۹	هشتم
نهم	۹ ماه	فوق لیسانس	۳۵	نهم	۱۲ ماه	۵	فوق لیسانس	۳۰	نهم

دوم	۲۷	دیپلم	۴	۶ ماه	دوم	۲۹	فوق	۷	۹ ماه
یازدهم	۲۸	فوق دیپلم	۱۰	۹ ماه	یازدهم	۳۵	لیسانس	۹	۱۴ ماه
دوازدهم	۳۲	لیسانس	۱۲	۸ ماه	دوازدهم	۳۴	لیسانس	۱۰	۱۶ ماه
					سیزدهم	۳۰	دکتری	۵	۱۰ ماه
					چهاردهم	۳۲	فوق	۶	۳ ماه
							لیسانس		
					پانزدهم	۳۳	فوق	۷	۸ ماه
							لیسانس		

کدهای یافت شده در کدگذاری به تفکیک زنان و مردان گزارش شده است. در مجموع در این پژوهش ۱۷۶ کد باز یا اولیه، ۲۷ کد محوری ۶ کد اصلی یافت شد که گزارش آن در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است.

جدول ۲. مقوله‌های استخراج شده از محتوای مصاحبه با زنان خیانت‌کننده

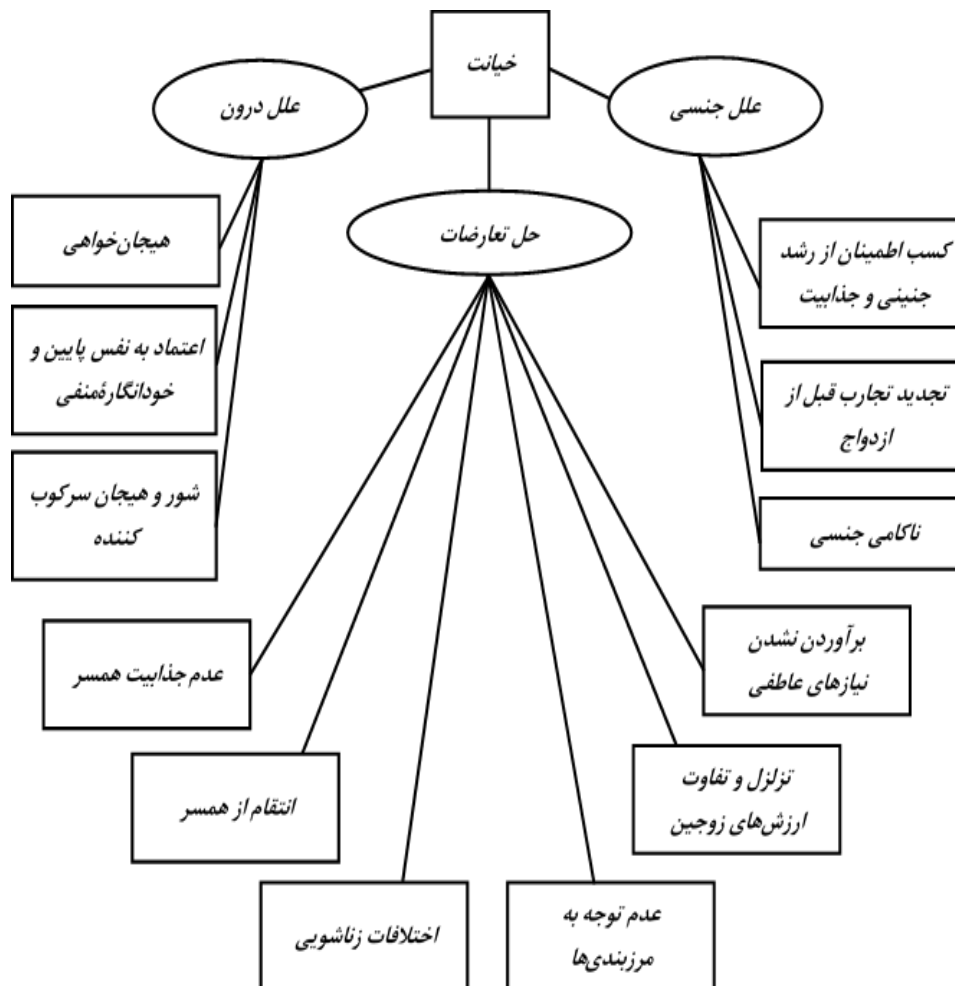
کد	کدگذاری باز	کدگذاری محوری یا مقوله هسته‌ای اصلی
۱	ناتوانی در مبادله عواطف و نیازها	هیجان
۲	ایجاد هیجان بیشتر در زندگی مشترک	خواهی
۳	نیاز شدید به تأیید و تحسین همسر	
۴	نیاز به محبت و گفتگو	
۵	احساس محرومیت و ندانستن مفهوم عشق	
۶	حس تجربه‌گرایی بالا	
۷	مستحش شاد و خوشحال بودن	
۸	نیاز به صمیمیت	
۹	عدم صمیمیت هیجانی	
۱۰	کسب توجه و مهربانی از طرف خودم	
۱۱	احساس حقارت و بی‌کفایتی	اعتماد به
۱۲	نیاز به جلب توجه - پذیرفته‌شدن	نفس پایین و
۱۳	احساس به اینکه من بدم و جذاب نبودن	خودانگاره
۱۴	احساس به اینکه هیچ کس من را دوست ندارد	منفی
۱۵	من برای هیچ کس جذاب نیستم	
۱۶	کمبود اعتماد به نفس در همه امور	
۱۷	سرکوب شدن همه احساساتم	شور و هیجان
۱۸	من همیشه کودک فعالی داشتم	سرکوب شده
۱۹	عدم بیان تمام نیازها و احساساتم	
۲۰	سرکوب شدن شور و شوق من به زندگی	
۲۱	نادیده انگاشته شدن نیازهای عاطفی	

		عدم وجود عشق و دوست داشتن در ازدواج	۲۲
		به تمسخر گرفته شدن احساساتم	۲۳
		احساس بی‌ارزش بودن برای همسر	۲۴
		انگاشته شدن بچه برای همسر	۲۵
علل تعارضات	برآورده نشدن	دور بودن همیشگی ما از همدیگر	۲۶
زناشویی	نیازهای	سکوت حاکم بر زندگی	۲۷
	عاطفی	عدم وجود همسر برای من	۲۸
		شادی و سرحالی همیشگی همسر بیرون منزل و بدخلقی او در منزل	۲۹
		خلاء نیازهای عاطفی	۳۰
	برآورده نشدن	عدم درک آرزوها و عواطف من	۳۱
	نیازهای	عدم احساس خوشبختی	۳۲
	عاطفی	آرزوهای بلند پروازانه در رابطه با میزان صمیمیت همسر	۳۳
		همیشه تنها بودن	۳۴
	ناهمسویی	عدم صداقت همسر	۳۵
	خواسته‌ها و اهداف	مردسالاری همیشگی او	۳۶
		عدم تعهد به قرارها و وعده‌ها	۳۷
		ناهمسویی خواسته‌ها و نیازهای اجتماعی	۳۸
		داشتن انتظارات غیرواقع‌بینانه از سمت همسر	۳۹
		عدم حمایت مالی	۴۰
		عدم درک متقابل	۴۱
		هیچ حرف و نظر مشترکی نداشتن	۴۲
		مشکلات اقتصادی	۴۳
	عدم توجه به	داشتن روابط گرم و صمیمی با افراد دیگر	۴۴
	مرزبندی‌ها	داشتن دوستانی با روابط آزاد	۴۵
		رعایت نکردم خط قرمزهای زندگی مشترک	۴۶
		داشتن روابط بی‌حد و مرز با همکاران	۴۷
		قدیمی و سنتی بودن مفهوم خانواده	۴۸
		داشتن صمیمیت زیاد با دوستان همسر	۴۹
		روابط دوستی بی‌حد و مرز قبل از ازدواج	۵۰
		پذیرش محبت و ابراز علاقه جنس متفاوت	۵۱
	اختلافات	عدم توافق بر مسائل	۵۲
	زناشویی	جر و بحث شدید برای هر تصمیم‌گیری	۵۳
		دخالت مداوم دیگران در زندگی ما	۵۴
		نبود همیشگی همسر در منزل	۵۵
		اعتیاد همسر	۵۶
		عدم حضور فیزیکی و روانی همسر	۵۷
		اختلاف نظر بر سر تربیت بچه‌ها	۵۸

	دخالت شدید خانواده همسر در زندگی ما	۵۹
	توجه صرف همسر بر مشکلات مالی	۶۰
	موفقیت مداوم همه و سرکوب توانایی‌های من	۶۱
	دربست در خدمت خانواده همسر من	۶۲
	عدم توجه همسر به من و فرزندانم	۶۳
	توجه همیشگی همسر به شغلش	۶۴
از	عدم ابراز محبت همسر	۶۵
انتقام	اعمال خشونت‌های دهانی و تحقیرآمیز همسر	۶۶
همسر	الگوهای کناره‌گیری همسر	۶۷
	احساس برتری همیشگی همسر	۶۸
	داشتن روابط جنسی بدون مرز	۶۹
	حس کردن سایه همیشگی یک نفر در زندگی	۷۰
	اثبات زیبایی‌های وجودی	۷۱
عدم جذابیت	عدم جذابیت جنسی و جسمی همسر	۷۲
همسر	هیچ وقت برایم دوست‌داشتنی نبود	۷۳
	ازدواج تحمیلی و اجباری	۷۴
	شوهرم هیچ‌گاه به خودش رسیدگی نمی‌کرد	۷۵
	همیشه قیافه دوست پسر قبلیم جلوی چشمم بود	۷۶
	کاش همسر من مثل بقیه مردها تمیز بود	۷۷
علل جنسی	کشف نقطه G	۷۸
کنجاوی در	کسب اطمینان از رشد جنسی	۷۹
تجارب	نیاز شدید به تأیید و تحسین همسر	۸۰
جنسی	نیاز به محبت و گفتگو	۸۱
	احساس محرومیت و ندانستن مفهوم عشق	۸۲
	حس تجربه‌گرایی بالا	۸۳
تجارب	همیشه به فکر دوست پسرهای قبلیم بودم	۸۴
جنسی قبل از	اعتقاد به سردی و یکنواختی سکس با یک نفر	۸۵
ازدواج		
تجارب	مزاحمت شبانه‌روزی دوستان قبلیم	۸۶
جنسی قبل از	علاقه به روابط گسترده داشتن	۸۷
ازدواج	اعتقاد به توانایی روابط گسترده داشتن بدون درگیری عاطفی	۸۸
	تنها دوران خوشی‌ام مجردی‌ام بود	۸۹
	عدم پذیرش محدودیت‌های بعد از ازدواج	۹۰
	عدم تجربه اوج لذت جنسی	۹۱
ناکامی	دیگر نمی‌دانستم رابطه جنسی یعنی چه	۹۲
جنسی	ضعیف انگاشتن سکس من توسط همسر	۹۳
	نارضایتی جنسی	۹۴
	ندانستن معنا و مفهوم معاشقه	۹۵

۹۶	عدم توجه به ارضاء شدن من
۹۷	همه سال به عبادت مشغول بودن همسر
۹۸	همیشه لقب هرزه‌گی شنیدن
۹۹	تابو دانستن صحبت در رابطه جنسی
۱۰۰	همیشه ارضاء شدن یک زن را بی‌اهمیت دانستن

همان‌طوری که در جدول ۲ مشاهده می‌شود در تجزیه و تحلیل متن مصاحبه با زنان خیانت‌کننده که در کدگذاری باز ۱۰۰ مقوله که در کدگذاری محوری بر اساس شباهت موضوعی در ۱۲ دسته موضوعی و در نهایت در کدگذاری گزینشی در سه مقوله هسته‌ای یا اصلی تحت عناوین علل درون فردی، تعارضات زناشویی و علل جنسی نامگذاری شده است.



شکل ۱ مدل استخراج شده از مصاحبه با زنان خیانت‌کننده

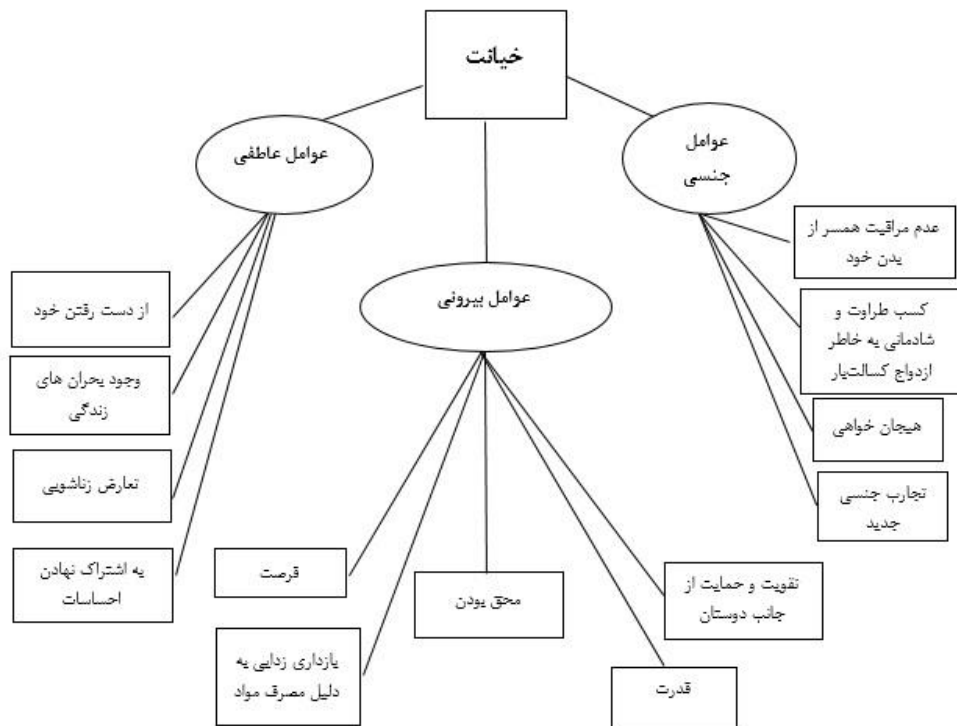
جدول ۳. مقوله‌های استخراج شده از محتوای مصاحبه با مردان خیانت‌کار

کد	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	مقوله هسته‌ای یا اصلی
۱	کنترل‌گری همسر	از دست رفتن خود	عوامل عاطفی
۲	نداشتن آزادی		
۳	نداشتن تفریح فردی		
۴	از دست رفتن فعالیت‌های مورد علاقه		
۵	اعمال محدودیت‌ها		
۶	پیروی دائمی از علاقه‌مندی‌های همسر		
۷	علی‌رغم میل باطنی ترس از همسر		
۸	خودکشی فرزند		عوامل عاطفی
۹	ارتقا شغلی		
۱۰	تولد فرزند	وجود بحران‌های زندگی	
۱۱	بهبود ناگهانی وضعیت مالی		
۱۲	نشان ندادن آسیب‌پذیری		
۱۳	سبک ارتباطی غیرمستقیم		
۱۴	مقابله به مثل در شیوه‌های ارتباطی		
۱۵	دور شدن از هم		
۱۶	نادیده گرفتن خواسته‌های یکدیگر		
۱۷	بی‌اعتنائی		
۱۸	گرفتار شدن در روزمرگی		
۱۹	مثلث‌سازی با افراد دیگر	تعارض زناشویی	عوامل عاطفی
۲۰	مشکل دائمی با خانواده اصلی همسر		
۲۱	سوءتعبیر کردن نیت طرف مقابل		
۲۲	غفلت از ویژگی‌های مثبت همسر		
۲۳	ترس از صداقت		
۲۴	خستگی		
۲۵	مشاجره		
۲۶	تبادل عاطفی با فرد سوم		
۲۷	گفتگوی صمیمانه با فرد سوم		
۲۸	راهنمایی خواستن از فرد سوم		
۲۹	خود افشایی در مورد خانواده	به اشتراک نهادن احساسات	
۳۰	صرف زمان‌های زیاد با فرد سوم		
۳۱	خود افشایی در مورد زندگی خصوصی		
۳۲	حساسیت عاطفی فرد سوم		
۳۳	نگرش‌های ناکارآمد فردی		

	مسائل فرهنگی	۳۴
	تعمیم دادن	۳۵
محقق بودن	فرض‌های فرهنگی	۳۶
	دوستان نامناسب	۳۷
	دیدن تجربیات دوستان	۳۸
تقویت و حمایت از جانب دوستان	به اشتراک نهادن تجربیات در محیط‌های دوستانه	۳۹
	حمایت دوستان	۴۰
	دریافت پیشنهاد از جانب دوستان	۴۱
	توان مالی	۴۲
عوامل بیرونی	قدرت	۴۳
	موقعیت اجتماعی	۴۳
	موقعیت بالاتر شغلی	۴۴
	پیشرفت شغلی	۴۵
	فرصت	۴۶
	محیط کاری تسهیل‌کننده رابطه	۴۶
	فراهم شدن امکان کمک به افرادی از جنس مخالف	۴۷
	احیا شدن روابط قبلی	۴۸
	گفتگوهای تصادفی در محیط مجازی	۴۹
	سهل‌الوصول بودن	۵۰
	دیدارهای اتفاقی	۵۱
	مصرف تفننی مشروبات الکلی در محیط‌های مختلط	۵۲
بازداری زدایی به دلیل مصرف مواد	افزایش اعتماد به نفس به دنبال مصرف مواد	۵۳
	رفع موانع درونی به دنبال مصرف الکل	۵۴
	حضور در محافل مصرف مواد افیونی	۵۵
	مصرف قلیان در محیط‌های مختلط	۵۶
	عدم مراقبت همسر از بدن خود	۵۷
	چاق شدن همسر	۵۷
	از دست رفتن جذابیت‌های بدنی همسر	۵۸
	مسائل مربوط به نظافت	۵۹
	عدم برآورده شدن انتظارات بدنی همسر	۶۰
	برقراری رابطه جنسی در حالت نامناسب بدنی	۶۱
	مسائل مربوط به پوشش	۶۲
کسب طراوت و شادمانی به خاطر ازدواج کسالت‌بار	به دست آوردن تجربه مثبت به دنبال ناراضی‌تبی زناشویی	۶۳
	افزایش کیفیت جایگزین‌ها	۶۴
	یکنواخت شدن رابطه با همسر	۶۵
عوامل جنسی	نداشتن تفریحات فردی	۶۶
	علاقه به تجربیات نو	۶۷

	کسالت زندگی	۶۸
هیجان خواهی	تجربه جویی	۶۹
	حساسیت نسبت به یکنواختی در رابطه با همسر	۷۰
	تجربه جنسی جدید	۷۱
	هیجان جنسی	۷۲
تجارب جنسی جدید	میل جنسی زیاد	۷۳
	مشغولیت شدید نسبت به بدن زنان	۷۱
	خیال‌پردازی‌های جنسی	۷۵
	علاقه زیاد به روابط جنسی	۷۶

همان‌طوری که در جدول ۳ مشاهده می‌شود در تجزیه و تحلیل متن مصاحبه با مردان خیانت‌کننده که در کدگذاری باز ۷۶ مقوله که در کدگذاری محوری بر اساس شباهت موضوعی در ۱۳ دسته موضوعی و در نهایت در کدگذاری گزینشی در سه مقوله هسته‌ای یا اصلی تحت عناوین عوامل عاطفی، عوامل بیرونی و عوامل جنسی نامگذاری شده است.



شکل ۲ مدل استخراج شده از مصاحبه با مردان خیانت‌کننده

طبقات بر اساس کد های ایجاد شده و پس از چند بار مرور و خلاصه سازی و بر اساس تشابه ها ایجاد شدند. با مرور بیشتر و مقایسه طبقات معنای درونی آن ها بصورت درون مایه های اولیه شناسایی شدند؛ براساس ماهیت، این درون مایه ها مفهومی و انتزاعی نامگذاری شدند. بر این اساس درون مایه های نامگذاری شده علل خیانت در زنان و مردان را پدیدار ساختند. این طبقات در تحلیل مصاحبه زنان شامل ۱- عوامل درون فردی ۲- تعارض زناشویی و ۳- جنسی و در تحلیل مصاحبه مردان عوامل عاطفی، عوامل بیرونی و عوامل جنسی بودند که در ادامه به تفسیر هر یک از آن‌ها پرداخته شد.

۱. عوامل درون فردی

در این طبقه که نشأت گرفته از ویژگی های فردی مانند شخصیت یا ژنتیک افراد بود قرار گرفت. این عوامل در سه زیرطبقه هیجان خواهی، اعتماد به نفس پایین و خودانگار منفی و شور و هیجان سرکوب شده دسته بندی شد.

۱.۱. **هیجان خواهی:** احساس کسالت و سرخوردگی از زندگی به سبب خصوصیات روحی یکی از نکات ذکر شده شرکت کنندگان بود شرکت کننده‌ای در این باره می‌گوید " نمی‌دونم فقط زندگی برایم کسالت بار شده بود". کسالت بار شدن با دو پدیده تجربه در برخی از مشارکت کنندگان و حس کنجکاوی در برخی دیگر همراه بود. تجربه زنان بیشتر به خصوصیات و ویژگی های روانی آنان پیش از ازدواج اشاره داشت به صورتی که شرکت کننده‌ای در این باره بیان نمود " من از دوران مجردی‌ام فوق‌العاده شیطون بودم و پیش شوهرم اصلاً نمی‌تونستم شیطنتم کنم ولی پیش اون خیلی فاز می‌داد". در برخی دیگر به دلیل عدم دارا بودن این تجربه حس کنجکاوی شدیدی در زن ایجاد شده بود شرکت کننده‌ای در این باره می‌گوید " می‌دانید، من در دوران مجردی‌ام همچین رابطه‌ای را تجربه نکرده بودم و فقط می‌خواستم ببینم چه حالی می‌ده" و شرکت کننده‌ی دیگری بیان نمود " رابطه با آن یک تجربه‌ی کاملاً جدید بود". در نهایت فرد تأمین نیاز هیجان طلبی خود را تنها در داشتن چنین رابطه‌ای می‌دید " فقط داشتن یک رابطه‌ی اینطوری برام جالب بود".

۲.۱. **اعتماد به نفس پایین و خودانگار منفی:** از جمله عوامل مرتبط با ویژگی های فردی اعتماد به نفس پایین و خودانگار منفی شرکت کنندگان بود. شرکت کنندگان بیان می‌نمودند که از جذابیت کافی برخوردار نبودند که همین امر نیز یکی از مهمترین علل اعتماد به نفس پایین آن‌ها بود شرکت کنندگان در این باره بیان نمودند " من هیچ‌گاه از نظر کسی جذاب نبودم و به واقع آن اولین کسی بود که اینقدر به من توجه می‌کرد". " من فقط دلم می‌خواست ببینم آیا فقط برای همسرم دوست داشتنی نیستم یا اینکه هیچ‌کس من را دوست ندارد که آن وابستگی بین ما ایجاد شد".

۳.۱. **شور و هیجان سرکوب شده:** مصاحبه شونده‌ها خود را از نظر روحی افرادی پرشور ذکر می‌کردند شرکت کننده‌ای بیان می‌نمود " من همیشه کودک درون فعالی داشتم". با این حال بیان می‌کردند که در زندگی این شور و هیجان از جانب همسر سرکوب شده است به طوری که شرکت کنندگان می‌گویند که " هرچی آمدم به همسرم بگویم دوستت دارم، گفت این مسخره بازبها از سن ما گذشته". " همیشه به من می‌گفت تو یک بچه‌ای". " در ازدواج من هیچوقت عشق و دوست داشتن وجود نداشت".

۲. عوامل تعارض زناشویی

تعارض زناشویی اشاره به تعاملات و واکنش‌های میان زن و همسر او دارد. این طبقه شامل برآورده نشدن نیازهای عاطفی، تزلزل و تفاوت ارزش‌های زوجین، عدم توجه به مرزبندی‌ها، اختلافات زناشویی، انتقام از همسر، عدم جذابیت همسر می‌باشد.

۱,۲. برآورده نشدن نیازهای عاطفی: یکی از مهمترین بیانات مصاحبه‌شوندگان، عدم تأمین نیازهای عاطفی از طرف همسر خود بوده است شرکت‌کنندگان بیان می‌نمودند که "ما هیچ‌وقت با همدیگر حرف نمی‌زدیم". "همسر من بیرون خانه برای همه شاد و سرحال بود ولی توی خانه برای من غمگین و افسرده". "کلاً در زندگی با آن همه احساسات و نیازها خودم را فراموش کرده بودم". "نیاز به توجه از جانب همسر به عنوان یکی از مهمترین نیازهای عاطفی مطرح می‌شد". "هیچ‌وقت به من توجهی نمی‌کرد و در عوض همه‌ی توجه‌اش به خانواده‌اش بود و من همیشه از نظر روحی خلاء داشتم".

۲,۲. ناهم‌سوایی خواسته‌ها و اهداف: زنان مورد مطالعه بیان می‌نمودند که همسر آن‌ها درک مناسبی در برآورده ساختن خواسته‌های آن‌ها ندارد، یکی از خواسته‌های اساسی زنان مشاهده صداقت همسر بود، شرکت‌کننده‌ای در این باره می‌گوید "من انتظار داشتم او با من صادق باشد ولی او هیچ‌گاه اینگونه نبود". "این خواسته‌ها در برخی از مواقع در نیازهای اقتصادی ذکر می‌شد"، "همسر آدم باید همه نیازهای اقتصادی آدم را برآورده کند ولی همسر من هیچ توجهی نداشت". ضمن اینکه ناهم‌سوایی در اهداف و همچنین درک متقابل از طرف همسر نیز از جانب زنان مورد اشاره قرار گرفت "راه من و همسر من در زندگی یکی نبود، هیچ‌گاه هدف یکسانی نداشتیم"، "همسر من هیچ‌گاه من را درک نمی‌کرد"، "برای فهماندن کوچک‌ترین نکته همیشه باید ساعت‌ها با همدیگر بحث می‌کردیم"، "من دوست داشتم قبل از بیان نیازهایم او خودش بفهمد و انجام دهد نه اینکه همیشه به زور و کلک متوسل شوم".

۳,۲. عدم توجه به مرزبندی‌ها: رعایت نکردن حریم و مرزهای مشخص در زندگی زناشویی یکی دیگر از عواملی بود که در زنان و همچنین همسران آن‌ها دیده می‌شد. همسران مصاحبه‌شوندگان تأکید بر رعایت حریم خانواده نداشتند، مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌نمودند که "همسر من همیشه خیلی زیاد با دوست‌های مجردش رفت و آمد می‌کرد و این موضوع باعث می‌شد ارتباط من با آن‌ها زیاد تر شود". "ما مدام در رفت و آمد با غریبه و آشنا بودیم". در برخی از موارد عبور زن از خط قرمز، واکنشی مشابه به عدم مرزبندی روابط همسر خود بوده است شرکت‌کننده‌ای می‌گوید "شوهر من رابطه‌های بدون مرز با دوستان من داشت". ضمن آنکه عدم پایبندی به این مرزبندی‌ها در طول زمان سبب تغییر در کاهش حساسیت مصاحبه‌شوندگان به این مرزها شده بود شرکت‌کننده‌ای بیان نمود "معمولاً توی اداره تمام وقت در مورد این رابطه‌ها حرف می‌زدند". "خانواده از نظر من هیچ معنی ندارد و این حرف‌ها مربوط به پدر و مادرهای ما بوده است".

۴,۲. اختلافات زناشویی: مشارکت‌کنندگان بیان می‌نمودند که با انواع مختلفی از اختلافات در زندگی با همسر خود مواجه هستند. این اختلافات شامل: اجازه‌ی دخالت سایر افراد در زندگی، اعتیاد همسر و تعارض در نقش‌های زوجین بود، مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گویند "مادر شوهر من باید در تمام برنامه‌های زندگی ما نقش داشته باشد و من دیگه دشاتم دیوانه می‌شدم". "من از روز اول ازدواجمان فقط یک شرط

گذاشته بودم و آن اینکه همسرم اعتیاد نداشته باشد و آن دقیقاً اعتیاد پیدا کرد." " من باید مدام به خانواده‌ی آن سر بزنم ولی آن هیچوقت وظیفه‌ای ندارد در قبال خانواده من." " نقش من این بود که فقط بچه‌های آن را بزرگ کنم و آن فقط به رشد و پیشرفت خودش فکر می‌کرد و اینکه چطور پله‌های ترقی را طی کند." " هیچ کدام از مناسبات زندگی مشترکمان را یادش نمی‌مونه و وقتی من شکایت می‌کردم می‌گفت تو خیلی بچه‌ای." " من هر وقت از ناراحتی‌هایم باهاش صحبت می‌کنم دعوا می‌شود و اگر سکوت هم بکنم متهم می‌شوم به پنهان کاری کلاً دیگه نمی‌دانستم باید چیکار کنم؟" " ما توی خانه فقط دعوا داشتیم".

۵.۲. انتقام از همسر: رفتار و واکنش‌های آزاردهنده همسر مانند عدم ابراز محبت، برقراری رابطه با سایر زنان و یا ذکر روابط خود یکی از عواملی بود که زنان را به واکنش و یا انتقام از همسر ترغیب می‌نمود. مشارکت کنندگان می‌گویند " هزار بار بهش گفتم دوستت دارم ولی هیچ توجهی نکرد." " همیشه می‌دانستم آرزوی ازدواج با خواهر من را داشته است." " همیشه از هزاران دوست دختر قبل از من و رابطه‌شان برایم تعریف می‌کرد." " همیشه یک ندایی از درونم بهم می‌گفت بهش ثابت کن که هیچی از آن کم نداری." " صدبار بهش تذکر دادم یا رفتارش را عوض کند یا من هم مثل خودش رفتار می‌کنم اما گوش نکرد." " فکر کرده بود فقط خودش خوشگل و خوشتیپ است."

۶.۲. عدم جذابیت همسر: عدم جذابیت همسر از سایر موارد تعارض زناشویی بود که این عدم جذابیت می‌توانست از ابتدای ازدواج و یا بعد از ازدواج به دلیل تغییر ظاهری زوج وجود داشته باشد. مارکت کنندگان در این باره بیان می‌نمودند که "از اول هم دوستش نداشتم." " من از قد و هیكل شوهرم متنفرم." " شوهرم هیچوقت به خودش رسیدگی نمی‌کند." " همیشه دوست هام، فامیل و همسایه، هرکسی به من می‌رسید می‌گفت حیف تو که با این ازدواج کردی." " بعد از ازدواجش حالم از ریخت و قیافش به هم می‌خورد." " همیشه قیافه دوست پسر قبلیم جلوی چشم‌هایم بود و افسوس می‌خوردم." " کاش شوهر من هم مثل بقیه مرد ها یکم به خودش می‌رسید."

۳. عوامل جنسی

عوامل مرتبط با نیازهای جنسی زنان در این مقوله قرار گرفت این عوامل در سه زیر طبقه کنجاوی در تجارب جنسی، تجاب جنسی قبل از ازدواج و ناکامی جنسی دسته بندی گردید.

۱.۳. کنجاوی در تجارب جنسی: برخی از زنان، بررسی رشد جنسی خود و اطمینان از توانایی رابطه جنسی کامل را دلیل انجام خیانت زناشویی G ذکر می‌نمودند. شرکت کنندگان در این زیر طبقه می‌گویند " می‌خواستم ببینم من هم مثل بقیه زن ها نقطه دارم." " من هیچوقت مطمئن نبودم می‌توانم شوهرم را ارضاء کنم." " می‌خواستم توسط یک فرد دیگر غیر از همسرم هم مطمئن بشوم که از نظر رابطه‌ی جنسی ایرادی ندارم." " دلم می‌خواست قبل از اینکه همسرم از آمریکا برگردد من از نظر جذابیت جنسی توسط یک مرد تایید شوم." " من هرچقدر دوره آموزشی می‌رفتم همسرم همیشه هیچ بازخوردی به من نمی‌داد و می‌گفت تو از اولش هم خوب بودی ولی من میدانستم دارد دروغ می‌گوید." " عاشق رابطه برقرار کردن با افراد خیلی کوچکت‌تر یا خیلی بزرگتر از خودم بودم."

۲.۳. تجارب جنسی قبل از ازدواج: دارا بودن روابط جنسی و عدم رهایی خواسته یا ناخواسته از این روابط پس از ازدواج به عنوان یکی از زیر طبقه‌های عمل جنسی مطرح بود. شرکت کنندگان در این باره بیان نمودند

که "وای من هرچقدر از دست این روابط فراری بودم تلفنم مرا رها نمی‌کرد." مدام بچه هارا در فیسبوک می‌دیدم و تحریک می‌شدم." زندگی مجردی پر از تحریک و هیجان بود." من تو رابطه با همسرم به هیچ عنوان به اوج لذت جنسی نمی‌رسیدم." قبل از ازدواج هرروز یک سبک رابطه را تجربه می‌کردم." قط می‌تونم بگم معتاد شده بودم، فقط همین." تنها دوران خوشی این ۳۵ سال عمرم دوران مجردی و انواع عشق و حال با دوست پسر هایم بود." من در مجردی برای فرار از خانه همیشه پس از دعا پیش یک پسر و در بقل آن ها بودم و دیگه این عادت من شده بود و بعد از ازدواج نمیتوانستم محدود بشم."

۳,۳. ناکامی جنسی: عدم تأمین خواسته های جنسی و یا نارضایتی از برقراری رابطه جنسی با همسر نیز یکی دیگر از عوامل مرتبط با روابط زناشویی بود. شرکت کنندگان بیان می‌نمودند که "دیگه نمی‌دانستم رابطه جنسی یعنی چه." هر وقت می‌گفتم بیا بریم بخوابیم و آنچنان مسخره‌ام می‌کرد و به من لقب هرزه‌گی می‌داد." هر شب که یکم بحث داشتیم رختخوابش را جدا می‌کرد." ما هر ۴ ماه یکبار هم با هم رابطه جنسی نداشتیم." همیشه ارضا شدن یک زن را بی اهمیت می‌دانست." هر شب وقتی ارضا می‌شد راحت می‌خوابید." من حسرا اینکه معنی رابطه‌ی عاشقانه و جنسی را بفهمم به دلم مانده بود." هر وقت یک لباس جدید می‌پوشیدم و آرایشی می‌کردم لقب های بسیار ناجور بهم می‌داد بطوری که کلی تو ذوق‌ام می‌خورد." بودن با هرکسی جز شوهرم اوج لذت جنسی برایم داشت." هر شب به بهانه امشب خسته‌ام، امشب حوصله ندارم، امشب گناهه، پشتش را به من می‌کرد و می‌خوابید و گاهی من اینقدر گریه می‌کردم که بالشتم خیس می‌شد."

۱. عوامل عاطفی

۱.۱. از دست رفتن خود: یکی از عللی که مشارکت‌کنندگان برای توجیه خیانت خود بکار می‌برند از دست رفتن خود بود؛ مشارکت‌کنندگان فرصت انجام فعالیت‌های مورد علاقه را نداشتند و به دنبال راهی بودند که بتوانند بدون نگرانی دست به فعالیت‌های مورد علاقه بزنند. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «همسرم دائم غر می‌زد، سعی می‌کرد منو کنترل کنه. دائماً به من زنگ می‌زد، کجایی! من از این کلمه متنفرم... اگه من می‌خواستم با کسی برم بیرون، نمی‌تونستم. من اگه بگم با آقای فلانی می‌خوام برم بیرون، میگه بیا با من بریم، ایشون نمی‌خواد من به مقدار تفریح داشته باشم (مشارکت‌کننده شماره ۴)».

مشارکت‌کننده دیگری تجربه خود را این‌گونه بیان می‌دارد: «قلیون تعطیل شد، دوستان دور شدن. اینقدر منو محدود کرده بود که حتی حق نداشتم با دوستانم برم بیرون، همه هم می‌دونستن، من کیم مجموعه‌ای از خواسته‌های ایشون (مشارکت‌کننده شماره ۶)».

۲.۱. وجود بحران‌های زندگی: یکی از عواملی که افراد را به سمت رفتارهای خیانت بار سوق می‌داد، ناتوانی آن‌ها در مدیریت بحران‌ها و یا نقاط تحولی زندگی بود. دامنه این بحران‌ها از مرگ یکی از اعضای خانواده تا تولد کودک و یا تغییر وضعیت مالی در نوسان است. به گفته یکی از مشارکت‌کنندگان توجه کنید: «برادر خانم من در اثر تصادف فوت شد و همسرم بعد از اون رفت خونه مامانش من احساس می‌کردم تنها شدم بعد از اون، خانومی که قبل از ازدواج می‌خواستم باهاش ازدواج کنم زنگ زد و منم باهاش ادامه دادم، البته فکر می‌کنم همسرم حالا که تخصص قبول شده کم‌کم دیگه می‌خواد بره (مشارکت‌کننده شماره ۹)».

یا اینکه مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید: «وقتی پسر ما خودکشی کرده بود، ایشون یک ماه خونه مادرش موند و با من نیومد خونه. من تو اون خونه تنها بودم، وقتی خواستیم از اون خونه بریم بیرون من خودم به تنهایی وسایلو بردم (مشارکت‌کننده شماره ۱)».

۳.۱. **تعارض زناشویی:** از عمده‌ترین دلایلی خیانت، ناتوانی در حل تعارض‌های زندگی به صورتی سازنده بود. افراد قادر نبودند در مورد تعارضات زناشویی خود به صورت مؤثری گفتگو کنند. آن‌ها به صورت غیرمستقیم با هم ارتباط برقرار می‌کردند و همچنین از نشان دادن آسیب‌پذیری خود اجتناب می‌کردند. عده‌ای از افراد نیت همسر خود را سوءتعبیر می‌کردند. مشارکت‌کننده‌ای می‌گوید:

«ایشون به دوستاش بیش از من اهمیت می‌ده، دائماً با دوستاش اینور اونوره، ایشون به راحتی نمی‌تونه دوستاشو کنار بگذاره. مثلاً من به ایشون گل خریدم. نبود، پسرم پایینشو فیچی کرد گذاشت تو لیوان، اما وقتی اومد گفت برا کسی دیگه بوده چون ته اون چیده شده (مشارکت‌کننده شماره ۵)».

۴.۱. **به اشتراک نهادن احساسات:** تعدادی از افرادی به صورت برنامه ریزی شده به دنبال این مسئله نبودند، اما به دلیل مجاروت با افرادی از جنس مخالف و به اشتراک نهادن احساسات خود، به مرور در دام روابط عاطفی و جنسی گرفتار شده بودند، به گفته‌های مشارکت‌کنندگان توجه کنید: «ما با هم همکار بودیم تو یه اتاق، بعد از یکسال با هم گرم گرفتیم و من از زندگی‌م گفتم، اوایل چیزی بین ما نبود، اما نمی‌دونم کی به اون علاقه‌مند شدم، گفتگوی ما حالت عادی رو از دست داد و ما وارد زندگی خصوصی هم شدیم، وقتی حامله بد بود، از حامله می‌پرسید، منم از زندگی‌ام می‌گفتم. نفهمیدم چی شد کم‌کم به هم نزدیک شدیم (مشارکت‌کننده شماره ۷)».

۲. عوامل جنسی

۱.۲. **عدم مراقبت همسر از بدن خود:** افراد در اوایل ازدواج به زیبایی و بدن خود اهمیت می‌دادند، اما با گذشت زمان این مسئله را به فراموشی سپرده و هزینه‌های اجتماعی آن را نادیده می‌گرفتند. در نتیجه دیگران در نگاه همسرشان جذابتر به نظر می‌رسیدند، به عبارتی دیگر کیفیت جایگزین‌های همسر افزایش می‌یافت و در نتیجه چنین افرادی درصدد رابطه با دیگران برمی‌آمدند تا بدین طریق عزت‌نفس خود را ارتقا ببخشند. به این عبارات توجه کنید: «من بارها ازش خواستم وزنشو کم کنه، من تو مهمونی خجالت میکشم، بعضی وقتا پشیمون میشم من دوست دارم درست بپوشه، کنار دوستام خجالت میکشم، وقتی دیگرانو میبینم چشمم می‌دوه (مشارکت‌کننده شماره ۱۰)».

۲.۲. **کسب طراوت و شادمانی به خاطر ازدواج کسالت‌بار:** برای بسیاری از افراد، رابطه با همسرشان تکراری شده بود و بیش از این چیزی برای کشف کردن نداشتند و وجود رفتارها و الگوهای تکراری رابطه آن‌ها را به کسالت کشانده بود، در نتیجه برای خارج شدن از این حالت دست به روابط فرازناشویی می‌زدند، به گفته‌های مشارکت‌کنندگان در زیر اشاره شده است: «منی که دوبار خودکشی کرده بودم، اما الان داشتم سرزنده میشدم، وقتی شروع شد من ماموریت بودم، اما نمی‌دونستم روزای من چطور سپری میشه، خیلی شاد بودم، هر وقت با خانومم میرم بیرونم به خصوص اون جاهایی که با اون رفتم گریم می‌گیره، رابطه ما (با همسر) تکراری شده (مشارکت‌کننده شماره ۲)».

۳,۲. هیجان خواهی: برخی از افراد با اینکه روابط مناسبی با همسرشان داشتند، به نظر می‌رسد صرفاً برای تجربه کردن مقداری هیجان، ترس و امتحان کردن روابط جدید دست به این اقدام زده بودند. به گفته‌های زیر توجه کنید: «با همسر من مشکلی ندارم. اون قشنگه، خوشتیپه، به خودش می‌رسه، همه چی تمومه، اما نمی‌دونم چی شد که اینطوری شد، فقط برام جالب بود (مشارکت‌کننده شماره ۱۱)».

یا اینکه مشارکت‌کننده دیگری تجربه خود را این‌گونه بیان می‌دارد: «فکر کنم رابطه من عاشقانه نبود فقط دلگی بود (مشارکت‌کننده شماره ۹)».

۴,۲. تجارب جنسی جدید: یکی دیگر از علل خیانت، تجربه کردن تجارب جنسی جدید با افرادی غیر از همسر بود. یکی از دلایل خیانت مردان جذابیت‌های جنسی دیگران است، تحت برخی از شرایط دیگران جذابیت جنسی می‌یابند و افراد به دنبال تجارب جنسی جدید درگیر خیانت می‌شوند، به گفته‌های مشارکت‌کنندگان توجه کنید: «الان که رفته بعضی شبا بهش فکر می‌کنم، به خصوص اگر تنها باشم و یا همسر من ساکت باشه، بعضی وقتا رابطه‌ام با اونو تصور می‌کنم، قبل از رابطه جنسی باهاش دائم بدنشو تصور می‌کردم اما بعد جذابیتشو از دست داد (مشارکت‌کننده شماره ۷)».

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان تجربه خود را این‌گونه بیان می‌دارد: «آدم مجبور نیست از یک غذای تکراری هر روز بخوره که من به رابطه جنسی نیاز دارم و نمی‌تونم جلوی خودمو بگیرم (مشارکت‌کننده شماره ۳)».

۳. عوامل بیرونی

۱,۳. محق بودن (نگرش‌ها): برخی از نگرش‌های افراد، آن‌ها را به سمت رفتارهای خیانت بار سوق می‌داد. این نگرش‌ها ریشه‌های تاریخی و فرهنگی داشته و در مردان احساس محق بودن ایجاد می‌کند. تقریباً اکثر مشارکت‌کنندگان از چنین نگرش‌هایی برخوردار بودند: «من معتقدم که این رفتار تو ذات مرداست (مشارکت‌کننده شماره ۵)». «من اگر یه مدت زیاد این کار رو نکنم می‌میرم (مشارکت‌کننده شماره ۳)».

«من مردم (مذکر) می‌تونم این کارو بکنم (مشارکت‌کننده شماره ۱۰)».

۲,۳. دریافت تقویت و حمایت از جانب دوستان: داشتن دوستانی که از رابطه پنهانی حمایت میکنند و یا اینکه تجربیات خود را در این زمینه با افراد در میان می‌گذارند، ناپسند بودن این روابط را کم رنگ کرده و افراد را سمت رفتارهای زناکارانه سوق می‌دهد. به مواردی که در کدگذاری به آن‌ها توجه شده است دقت کنید: «با باجنابم که بازاریه رفته بودیم مهمونی، اون یه دوست داشت که لاستیک فروش بود. شروع کردیم به صحبت کردن و اونم از تجربیاتش برای ما گفت، من دیدم من تا به حال بازنده بودم (مشارکت‌کننده شماره ۹)».

مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید: «وقتی ما با هم میرفتم بیرون می‌گفتم، همراه دوستم هستیم، اگه خانمم زنگ می‌زد (به دوستم) اونم میگفت آره (مشارکت‌کننده شماره ۱)».

۳,۳. قدرت: یکی از عوامل اساسی در بروز روابط پنهانی، داشتن قدرت و یا توان مالی و توانایی تأثیر نهادن بر روی دیگران است. افراد قدرتمند فرصت‌های بیشتری برای این کار در اختیار دارند. به گفته‌های زیر توجه کنید: «یه خونه اجاره کردیم، سه نفری پول اجارشو می‌دیم، توی جای خوب شهر هر وقت بخوایم می‌ریم اونجا هر کس دوست خاص خودشو داره (مشارکت‌کننده شماره ۸)».

یکی از مشارکت‌کنندگان مسن‌تر می‌گوید: «روزی برای خرید تلفن همراه رفته بودم، بعد از خروج از مغازه دختری مرا دنبال کرد و گفت مشکل مالی دارم و به زودی به مشکل بر می‌خورم، کمک مالی می‌خواست من هم به او گفتم فردا بیا فلان جا تا کمک کنم، من باهش بیرون میرفتم یک سال باهش بودم خیلی زیاد براش خرج کردم البته من که توان جنسی نداشتم بعد که اون رفت، دوستش با من وارد رابطه شد (مشارکت‌کننده شماره ۵)».

۴,۳. **فرصت:** گاهی برخی از افراد فعالانه در جستجوی روابط پنهانی بر نمی‌آیند اما قرار گرفتن در شرایط مناسب آن‌ها را به سمت استفاده از این موقعیت سوق می‌دهد. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «...ی من بود و من بعداً تو محل کارم استخدامش کردم (مشارکت‌کننده شماره ۷)».

یا دیگری تجربه خود را این‌گونه بیان می‌کند: «من با همسرم بحث کرده بودم رفتم خونه پدرم تو واتس آپ پیام اومد نمی‌شناختمش اما بعد فهمیدم دوست دختر سابق منه، منم جوابشو دادم (مشارکت‌کننده شماره ۹)».

۵,۳. **بازداری زدایی به خاطر مصرف مواد:** عده‌ای از افراد صرفاً به دلیل بازداری زدایی شدن از طریق مواد و رفع موانع روانی و اجتماعی دست به ایجاد روابط پنهانی می‌زنند. این افراد از قبل چنین تصمیمی ندارند. به تجربه مشارکت‌کنندگان دقت کنید:

وقتی با دوستان می‌رفتیم باغ مشروب سرو می‌شد، منم تو اون حالت با دخترا راحت میشدم، گاهی هم که دست جمعی قلیون می‌کشیدیم محفل گرم می‌شد و ما وارد زندگی هم می‌شدیم (مشارکت‌کننده شماره ۷)».

یا اینکه مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید: «یه روز که تو عروسی عرق خورده بودم، به اون زنگ زد اما چون مافوقش بودم چیزی نگفت، بعد که حالم سرجا اومد فهمیدم چکار کردم (مشارکت‌کننده شماره ۱۰)».

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی عوامل زمینه‌ای و آشکار ساز در خیانت زناشویی در زنان و مردان با تجربه خیانت و تبیین داده‌های حاصل از آن در قالب یک مدل مفهومی انجام گرفت. داستان کلی برآمده از کنکاش در داستان‌های فردی مشارکت‌کنندگان زن و مرد در این پژوهش حاوی ۱۴ مضمون محوری در زنان و ۱۳ مضمون محوری در مردان بود که هر یک در سه مقوله هسته‌ای یا اصلی کاهش داده شد که در مقوله هسته‌ای زنان عوامل بیرونی، تعارضات زناشویی و عوامل جنسی و در مردان عوامل عاطفی، عوامل بیرونی و عوامل جنسی به عنوان عوامل زمینه‌ای و آشکار ساز خیانت زناشویی شناسایی شد. یافته‌های این پژوهش تا حدودی با نتایج پژوهش‌های فولادیان و همکاران (۱۳۹۹)، حسینی و همکاران (۱۳۹۸)، افشاری کاشانیان (۱۳۹۸)، خرم دل و حجاز (۱۳۹۸)، فتحی و همکاران (۱۳۹۲)، ویگنیس و دوریس (۲۰۱۷)، توسناد (۲۰۰۹) و همیلتون و همکاران (۲۰۰۹) همخوان است. بر اساس نتایج می‌توان اذعان داشت گرفتار شدن زوجین در روزمرگی و از دست دادن جذابیت‌هایی که سابقاً برای همسران اهمیت داشت آنان را به سمت خیانت زناشویی سوق داده بود. پیتمن و ویجر (۲۰۰۵) و شینکمن و ورنک (۲۰۱۰) هم بر این باورند که خیانت زناشویی نشانه کاستی‌هایی در روابط است و رابطه فرازناشویی در بافت روابط بد و کسل‌کننده روی می‌دهد. این نتایج را پژوهش گلاس و رایت، ۱۹۸۵ هم تایید می‌کند. بسیاری از زنان درگیر در رابطه فرازناشویی

برای فرار از دست این کسالت دست به رابطه فرازناشویی زده بودند؛ به نظر می‌رسد زوجین بعد از شناخت کامل یکدیگر، جذابیت خود را از دست می‌دهند، در نتیجه بسیاری از افراد برای اثبات جذابیت خود درگیر این روابط می‌شوند؛ علاوه بر این همسران این افراد همانند گذشته دیگر پاسخگوی عواطف رو به رشد آنها نبودند، و نیازهای همسران خود را نادیده می‌گرفتند، این غفلت به همراه فقدان مهارت‌های گفتگو کردن، زنان و مردان متاهل را در معرض رابطه با فرد دیگری قرار می‌داد تا ویژگی‌هایی که در رابطه اول نبود را دوباره احیا کنند (افشاری کاشانیان، ۱۳۹۸).

یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز خیانت زناشویی وجود دوره طولانی سرکوفته شدن نیازهای جنسی و عاطفی بود. بسیاری از افراد مشارکت‌کننده در پژوهش بعد از یک دوره طولانی سرکوفته شدن نیازهای جنسی و عاطفی در مقابل روابط آسیب‌پذیر شده بودند و بعد از فراهم شدن فرصت به دلیل آسیب‌پذیری از این فرصت‌ها استقبال کرده بودند. برخی از پژوهش‌ها هم نشان می‌دهد که شکل‌گیری نارضایتی و ناکامی جنسی طولانی مدت سبب می‌شود که فرد ناکام شده، به دنبال شریک‌های جنسی با تجربه، پذیرا و رضایت‌بخش‌تری باشد (باگاروزی، ۲۰۰۷). در پژوهش مصری‌پور و همکاران (۲۰۱۶) هم یکی از دلایل خیانت زناشویی زنان نامناسب بودن روابط جنسی و عاطفی با همسرانشان بود، بسیاری از افراد مشارکت‌کننده در کمیت و کیفیت رابطه جنسی خود دچار مشکل بودند. همسران آنها به این نیازها پاسخ‌های مناسبی نمی‌دادند و با ادارک همسرانشان در مورد رابطه جنسی، انجام وظیفه از سوی همسرانشان بود در صورتی که زنان به دنبال روابط خودانگیزه بودند. از سویی یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز خیانت تحول جامعه و با وجود عواملی بود که چندان در کنترل خانواده و یا افراد نبود ولی زمینه را برای بروز روابط فرازناشویی مهیا می‌ساخت. به عنوان مثال با گسترش استفاده از اینترنت، امکان گمنامی، آسودگی، و رهایی از محدودیت‌ها برای افراد امکان‌پذیر شده است (بانگ، گریفین شلی، کوپر، اومارا، و یو چانسان، ۲۰۰۷)، محیط‌های مجازی امکان دسترسی آسان، بی‌نام و نشان بودن، و کنترل شرایط را فراهم کرده و افراد در این محیط‌ها از نظر روان‌شناختی احساس راحتی می‌کنند (مرکل، و ریچاردسون، ۲۰۱۰). پژوهش فینچام و شی (۲۰۱۷) هم بر این عامل تأکید دارد و نشان می‌دهد که گسترش اینترنت باعث افزایش احتمال خیانت زناشویی شده است، در واقع افراد از این مجرا بیشتر برای پنهان کردن و تسهیل رابطه خود استفاده می‌کنند. عواملی از قبیل تجربه روابط قبل از ازدواج، سست شدن نگرش‌های مذهبی، نگرش قبل از رابطه، محیط‌های مجازی که امکان رابطه را تسهیل می‌کنند محصول دنیای مدرن امروزی است. حتی برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که از زنان از روابط فرازناشویی برای نشان دادن فردیت خود استفاده می‌کنند و ازدواج نمی‌تواند مانع از این رفتار شود (مودی، ۲۰۱۶)؛ البته که این فرض در مورد افرادی صحیح است که در زندگی زناشویی خود مشکلی ندارند و از نظر مادی هم وضعیت آنها مطلوب است (بلو و هارتنت، ۲۰۰۵). در صورتی که شاید در گذشته فرصت چنین رفتارهایی برای زنان و مردان در دست نبود و تحول جامعه این فرصت‌ها را در اختیار آنها قرار داده است.

همراستا با نتایج پژوهش افشاری کاشانیان و همکاران (۱۳۹۸) یکی از علل یافت شده در پژوهش فعلی تمایل افراد به تجربه کردن روابط تازه و نو بود. مصری‌پور و همکاران (۲۰۱۶) و لالاسز و ویگل (۲۰۱۱) هم بر این باورند که افرادی که در جستجوی تجارب نو و متنوع جنسی هستند؛ از مخاطرات جنسی اجتناب

نمی‌کنند و بیشتر درگیر روابط فرازناشویی می‌شوند. این افراد شرکای جنسی بیشتری دارند و بیشتر به رفتارهای پر خطر جنسی دست می‌زنند و علاوه بر این نگرش‌های سهل‌گیرانه تری در مورد روابط فرازناشویی دارند (زاگرم، ۲۰۰۷). این افراد به نظر می‌رسد افراد هیجان‌خواهی هستند که تحمل زندگی کسالت‌بار را ندارند، برخی از مردان و حتی زنان درگیر در رابطه فرازناشویی با وجود اینکه روابط مطلوبی با همسرانشان داشتند؛ اما میل به تفریح و به اشتراک نهادن احساسات با افراد دیگر و همچنین تجربه کردن هیجان آنها را به سمت شکل دادن رابطه فرازناشویی سوق داده بود (خرم دل و حجاز، ۱۳۹۸).

بسیاری از افراد درگیر، هیجاناتی را تجربه می‌کردند که مدت‌ها قبل در زندگی زناشویی آنها به فراموشی سپرده شده بود. بازداری زدایی که افراد درگیر تجربه می‌کردند، آنها را در رابطه فرازناشویی نگاه داشته و رابطه را تثبیت می‌کرد؛ برخی از پژوهش‌ها هم نشان می‌دهد که زنان از نظر زیستی تمایل به صمیمیت و ارتباط دارند و نسبت به مردان عاطفی‌تر هستند؛ این تمایل زنان را مستعد جستجوی تحریک عاطفی می‌سازد؛ بنابراین برای داشتن تجربیات این‌چنینی اقدام به گشودن درهای رابطه می‌کنند (مودی، ۲۰۱۶). همچنین سرمایه‌گذاری عاطفی برای زنان دارای مولفه‌های عاشقانه و جنسی است وقتی زنان در این تجربیات شکست می‌خورند در معرض روابط فرازناشویی قرار می‌گیرند (مافوسا، و همکاران، ۲۰۱۷) تا این هیجانات را با فرد دیگری تجربه کنند. علاوه بر این افراد مشارکت‌کننده در این پژوهش برای توجیه رفتار خود و ادامه دادن به رابطه، بر عذاب وجدان خود غلبه کرده و از مرحله چانه زنی عبور می‌کردند؛ آنها برای این کار از خود سلب مسئولیت کرده و بر رفتار همسرشان تاکید می‌کردند. عیسی نژاد و باقری (۱۳۹۶) هم در پژوهش خود نشان دادند که افراد در راستای پیش برد خیانت زناشویی به دو شیوه عمل می‌کنند یا در باورها و نگرش‌های خود نسبت به قبل از رابطه تغییر ایجاد می‌کنند و یا اینکه نارضایتی زناشویی را بهانه توجیه رفتار خود قرار می‌دهند؛ بعد از شکل‌گیری رابطه فرازناشویی به نظر می‌رسد افراد بی‌وفا در اوایل شکل‌گیری رابطه فرازناشویی در مرحله چانه زنی گیر کرده و فشار زیادی را تحمل می‌کنند، عذاب وجدان زیاد آنها را به سمت سلب مسئولیت رفتار خود و تاکید بر چگونگی رفتار همسر سوق می‌دهد؛ بنابراین این افراد بعد از این اتفاق به راحتی از مرحله چانه زنی و عذاب وجدان عبور کرده و با سلب مسئولیت، رفتار خود را تداوم می‌بخشند. به عبارت دیگر همسر خود را مسئول بوجود آمدن چنین شرایطی قلمداد می‌کنند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸). بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، نمی‌توان مدعی شد که در خیانت زناشویی تنها یک عامل فردی یا بین فردی دخیل است، بلکه معمولاً مجموعه‌ای از عوامل در شکل‌گیری این پدیده نقش دارند که بسته به نوع فرد درگیر و شرایط زندگی مشترک، نقش هر عاملی پررنگ‌تر یا کم‌رنگ‌تر جلوه می‌کند. همان‌گونه که شکل‌گیری این پدیده محدود به دنیای فردی یا بین فردی نیست و شرایط بافتی نیز در آن دخیل است، پیامدهای خیانت زناشویی نیز صرفاً محدود به یک حیطه نمی‌شود و پیامدهای آن حیطه‌های فردی، بین فردی و بافتی را نیز شامل می‌شود. پس برای پیشگیری و درمان نیز می‌بایست متمرکز بر مجموعه‌ی شرایط و عوامل بود. این پژوهش با محدودیت‌هایی مثل عدم قابلیت تعمیم دهی به خاطر نوع پژوهش، دو زبانه بودن برخی مشارکت‌کنندگان و نیز محدودیت دسترسی به مشارکت‌کنندگان با توجه به تابو بودن موضوع پژوهش مواجه بود.

موازن اخلاقی

در این پژوهش موازن اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری حین مصاحبه رعایت شد. با توجه به شرایط و زمان انجام مصاحبه ضمن تأکید به محرمانه بودن پاسخ‌ها، شرکت‌کنندگان در مورد خروج از پژوهش مختار بودند.

سپاسگزاری

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر است؛ از این رو از مدیران مراکز مشاوره و همه زنان و مردان شرکت‌کننده در مصاحبه که در اجرای این پژوهش همکاری داشتند؛ تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع

- استراوس، انسلم، و کوربین، جولیت. (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه: ابراهیم افشار. تهران: نشر نی (سال انتشار اثر به زبان اصلی، ۱۹۹۴).
- اکبری، زهرا، شفیع‌آبادی، عبدالله، و هنرپروان، نازنین. (۱۳۹۰). مقایسه‌ی سبک‌های دلبستگی در مردان متأهل با روابط فرا زناشویی و فاقد روابط فرا زناشویی. اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی، ۲۰(۶): ۳۵-۲۰
- افشاری کاشانیان، امید، زهراکار، کیانوش، محسن زاده، فرشاد، و تاجیک اسماعیلی، عزیز الله. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل زمینه‌ساز خیانت زناشویی در زنان. پژوهش‌های مشاوره. ۱۸ (۷۱): ۱۵۴-۱۲۱
- امینی‌ها، آزاده، فرح بخش، کیومرث، اسمعیلی، معصومه. (۱۳۹۴). تفحص کیفی در واکنش همسران به افشای خیانت زناشویی. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۵(۳): ۷۲-۹۲.
- بازرگان، عباس. (۱۳۸۹). روش تحقیق کیفی آمیخته. تهران: نشر دیدار
- حبیبی عسگرآباد، مجتبی، و حاجی حیدری، زهرا. (۱۳۹۴). علل خیانت زناشویی از دیدگاه زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده: یک مطالعه کیفی، خانواده پژوهی، ۱۱(۲): ۱۵۶-۱۸۶
- حدادی، سپیده، انصاری‌نژاد، نصرالله، آقاجانی، طهمورث، و خالقی اصفهانی، آتنا. (۱۳۹۵). رابطه عوامل روانی و اجتماعی بانگ‌رش نسبت به بی وفایی زنان و مردان متأهل در شهر تهران. مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۵(۲): ۱۳۵-۱۵۲
- حیدری، حکیمه، فاتحی زاده، مریم، و اعتمادی، عذرا. (۱۳۸۸). پیش‌بینی عهدشکنی زناشویی، تازه‌های روان‌درمانی، ۵۲(۵۱): ۱۱۵-۱۲۷
- خرم دل، کاظم، و حجار، افروز. (۱۳۹۸). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر خیانت زناشویی. ششمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهش در علوم اجتماعی، علوم تربیتی و روانشناسی، ۲۷ آذر اصفهان، ۳۰-۴۵

- دانایی‌فرد، حسن، و امامی، مجتبی. (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی، تاملی بر نظریه پردازی داده بنیاد. *مجله مدیریت*، ۱(۲): ۶۹-۹۶
- کرمی، جهانگیر، زکی بی، علی، محمدی، امید، و حق‌شناس، شریفه. (۱۳۹۴). نقش عوامل روانی و اجتماعی در پیش‌بینی نگرش به روابط خارج از چهارچوب زناشویی در زنان متأهل و ارائه یک مدل بر اساس عوامل مرتبط. *مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان*، ۱۳(۳): ۱۲۹-۱۵۲
- فولادیان، مجید، برادران کاشانی، زهرا، و دیاری، مرتضی. (۱۳۹۹). تحلیل جامعه شناختی وقوع رابطه فرازناشویی: ارائه یک نظریه زمینه‌ای. *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۱(۲): ۱۷۷-۲۰۶
- فتحی، منصور، فکرآزاد، حسین، غفاری، غلامرضا، و بوالهروی، جعفر. (۱۳۹۲). عوامل زمینه ساز بی وفایی در زنان. *رفاه اجتماعی*، ۱۳(۵۱): ۱۰۹-۱۳۱
- عیسی‌نژاد، امید، و باقری، آرزو. (۱۳۹۶). پدیدارشناسی روش‌های توجیهی خیانت زناشویی: ساز و کارهای رویارویی با ناهماهنگی شناختی در روابط فرازناشویی. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲۲(۲): ۱۸۸-۲۰۷
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش. *تهران: انتشارات جامعه شناسان*
- نوایی، جعفر، و محمدی آریا، علیرضا. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین طرحواره‌های ناسازگار با توجیه روابط فرازناشویی در میان افراد متأهل. *روان پرستاری*، ۴(۱۲): ۱۸-۲۷

References

- Allen, E. S., & Atkins, D. C. (2012). The association of divorce and extramarital sex in a representative US sample. *Journal of Family Issues*, 33 (11), 1477-1493.
- Auslander, B. A., & Rosenthal, S. L. (2010). Intimate romantic relationships in young adulthood: A biodevelopmental perspective. *Young adult mental health*, 158-168.
- Bagarozzi Sr, D. A. (2007). Understanding and treating marital infidelity: A multidimensional model. *The American Journal of Family Therapy*, 36 (1), 1-17
- Blow, A. & Hartnett, K. (2015). Infidelity in committed relationships II: A substantive review. *Journal of Marital and Family Therapy*, 31 (2), 217-234.
- Cano, A. & O'leary, K.D. (2012). Infidelity and separations precipitate major depressive episodes and symptoms of non specific depression and anxiety. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 68, 774-781.
- Duba, J. D., Kindsvatter, A., & Lara, T. (2008). Treating infidelity: Considering narratives of attachment. *The Family Journal*, 16 (4), 293-299.
- Jeanfreau, M. M. (2009). A qualitative study investigating the decision-making process of women's participation in marital infidelity (Doctoral dissertation, Kansas state university).
- Fincham, F. D., & May, R. W. (2017). Infidelity in romantic relationships. *Current Opinion in Psychology*, 13, 70-74.
- Hamilton L, & Armstrong EA. (2009). Gendered sexuality in young adulthood: Double binds and flawed options. *Gender & Society* 23(5): 589-616.
- Kröger, C., Reißner, T., Vasterling, I., Schütz, K., & Kliem, S. (2012). Therapy for couples after an affair: A randomized-controlled trial. *Behaviour research and therapy*, 50 (12), 786-796.
- Killawi, A., Fathi, E., Dadras, I., Daneshpour, M., Elmi, A., & Altalib, H. (2017). Perceptions and Experiences of Marriage Preparation Among US Muslims: Multiple Voices from the Community. *Journal of Marital and Family Therapy*

- Lalasz, C. B., & Weigel, D. J. (2011). Understanding the relationship between gender and extradyadic relations: The mediating role of sensation seeking on intentions to engage in sexual infidelity. *Personality and Individual Differences, 50* (7), 1079-1083.
- Luo, S., Cartun, M. A., & Snider, A. G. (2010). Assessing extradyadic behavior: A review, a new measure, and two new models. *Personality and Individual Differences, 49*, 155–163.
- Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex. *Archives of sexual behavior, 40* (5), 971-982.
- Maphosa, S., Mutandwa, P., & Nyamayaro, A. T. (2017). Infidelity Appetite: Psychological Factors Influencing Married Women to Engage in Extra-marital Affairs. *International Journal of Innovative Research and Development, 2278–0211*, 6 (1).
- Merkle, E. R., & Richardson, R. A. (2010). Digital dating and virtual relating: Conceptualizing computer mediated romantic relationships. *Family Relations, 49* (2), 187-192.
- Munsch, C. L. (2012). The Science of Two-Timing: The State of Infidelity Research. *Sociology Compass, 6* (1), 46-59.
- Moody, R. (2016). *Life after life*. Random House.
- Olmstead, S. B., Blick, R. W., & Mills, L. I. (2009). Helping couples work toward the forgiveness of marital infidelity: Therapists' perspectives. *The American Journal of Family Therapy, 37* (1), 48-66
- Petersen, J. L., & Hyde, J. S. (2010). A meta-analytic review of research on gender differences in sexuality, 1993-2007. *Psychological Bulletin, 136*, 21-38.
- Pittman, F. S., & Wagers, T. P. (2005). Teaching fidelity. *Journal of clinical psychology, 61* (11), 1407-1419.
- Previti, D., & Amato, P. R. (2014). Is infidelity a cause or a consequence of poor marital quality?. *Journal of Social and Personal Relationships, 21* (2), 217-230.
- Prins, K. S., Buunk, B. P., & Van Yperen, N. W. (2011). Equity, normative disapproval and extramarital relationships. *Journal of Social and Personal Relationships, 10*, 39–53.
- Scheinkman, M., & Werneck, D. (2010). Disarming jealousy in couples relationships: A multidimensional approach. *Family process, 49* (4), 486-502.
- Smith, T. (2016). *American sexual behavior: Trends, socio-demographic differences, and risk behavior (GSS Topical Report No. 25)*. Chicago: National Opinion Research Center.
- Tusnad LA. (2009). *Study of the effects of infidelity on contemporary couples [dissertation]*. Waterloo, ON: University of Waterloo.
- Whisman, M. A., & Bruce, M. L. (2009). Marital dissatisfaction and incidence of major depressive episode in a community sample. *Journal of abnormal psychology, 108* (4), 674.
- Young, K. S., Griffin-Shelley, E., Cooper, A., O'mara, J., & Buchanan, J. (2007). Online infidelity: A new dimension in couple relationships with implications for evaluation and treatment. *Sexual Addiction & Compulsivity: The Journal of Treatment and Prevention, 7* (1-2), 59-74.
- Zuckerman, M. (2007). *Sensation Seeking and Risky Driving, Sports, and Vocations*.

Investigating the precipitating and exhibiting factors of marital infidelity: a qualitative study

Zakieye. Nasiri¹, Nazanin. Honarparvaran^{*2}, Fatemeh. Javadzadeh Shahshahani³ & Siamak. Samani⁴

Abstract

Aim: This study was conducted to investigate the precipitating and exhibiting factors of marital infidelity. **Methods:** This was a qualitative study based on grounded theory and semi-structured and problem-oriented interviews and investigated the process of emergence of marital infidelity. For this purpose, 12 women and 15 men who experienced marital infidelity and were willing to cooperate with the researcher were selected as the sample by purposive sampling. The subjects were examined in depth using semi-structured interviews. Data were analyzed using grounded theory. **Results:** After analyzing the data obtained from interviews with women and analyzing them through open coding, 100 initial codes, 14 axial codes, and 3 main codes were extracted. In this way, sensation-seeking, low self-esteem, negative self-image, and suppressed excitement were classified as the initial codes, intrapersonal causes, non-satisfaction of emotional needs, inconsistency of desires and goals, lack of attention to boundaries, marital disputes, revenge on the spouse, and lack of attractiveness of the spouse were classified as the axial codes, and marital conflicts, curiosity about sexual experiences, premarital sexual experiences, and sexual failure were classified as the main codes. 76 initial codes, 13 axial codes, and 3 main codes were extracted as a result of content analysis on interviews with men in open coding. Causes of male infidelity were categorized as emotional causes (marital conflicts, life crises, loss of self, and sharing feelings and thoughts), sexual causes (lack of freshness and happiness due to a boring marriage, gaining new sexual experiences, lack of wife care of her body, and sensation-seeking), and external causes (power, having the opportunity to commit marital infidelity, receiving support from friends, rightfulness, and disinhibition due to substance abuse). **Conclusion:** The results indicated that men and women involved in this relationship initiated marital infidelity against this phenomenon. The consequences of these strategies were disclosure, divorce, concealment, and the discontinuity of married life.

Keywords: Marital infidelity, women, men, precipitating factors, exhibiting factors

1. PhD Student in Department of Counseling, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr/Isfahan, Iran

2. ***Corresponding Author:** Department of Counseling, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr/Isfahan, Iran
Email: nazanin48@miau.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Counseling, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr/Isfahan, Iran

4. Associate Professor, Department of Psychology, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran